

بدجبابی جزو جرایم «عقیم» تلقى می‌شود

مهدی تقوی‌راد

چند صباحی است که با ظهور مجدد گشته‌های ارشاد در اماکن عمومی و برخوردهای آنها با شهروندان؛ ماهیت و شیوه عملکرد آنها به یکی از موضوعات داغ جامعه بدل شده است. اصولاً تشکیل گشته‌های ارشاد و عملکرد آنها را می‌توان از دو منظر فقهی و حقوقی بررسی کرد.

اما پیش از آن باید بر این نکته تأکید کرد که «حجاب» مقوله‌ای است نسبی که بسته به مکان و زمان؛ مسلماً تعاریف مختلفی را می‌توان برای آن ارائه کرد. به عنوان مثال ممکن است پوشیدن یک نوع لباس در تهران کاملاً عادی باشد ولی مثلاً در قم یا مشهد این پوشش از منظر عمومی، تقبیح شده باشد. یا برعکس؛ ممکن است پوشیدن یک تیشرت آستین حلقه‌ای برای مردان در کیش به خاطر هوای بسیار گرم آن عادی و قابل قبول باشد اما در تهران همان پوشش؛ حساسیت‌برانگیز و خلاف عرف مردم این شهر تلقی شود. به عبارتی یک نوع پوشش می‌تواند در تهران «حجاب» تلقی شود و در شهری دیگر «بدجبابی»!

علاوه بر این عرف، مقوله مقابله با بدجبابی را باید از دو منظر حقوقی و فقهی نیز بررسی کرد. به بیانی پس بخشی از تعاریف مرتبط با «حجاب» به عرف برمی‌گردد و بخش‌های دیگر آن به شرع و قانون. در بررسی موضوع حجاب از منظر «شرع» نیز اصول فقهی بر این نکته تأکید دارند که ابتدا باید به عرف توجه داشت. یعنی یکی از مصادیق تعیین چارچوب‌های حجاب، عرف حاکم بر جامعه است. در همین راستا «فقه» هم تأکید دارد که برای ترویج چارچوب‌های حاکم بر حجاب، براساس اخلاق اسلامی عمل شود.

از زاویه حقوقی نیز باید تعریف دقیقی از بدجبابی ارائه شود. واقعیت این است که هم‌اکنون به ندرت می‌توان افرادی را مشاهده کرد که «بی‌حجاب» باشند، چراکه عرف و فرهنگ جامعه ما چنین رفتاری را برنمی‌تابد و با آن برخورد می‌کند. آنچه امروز در سطح جامعه شاهد آن هستیم؛ «بدجبابی» و کم‌حجابی است که تاکنون اوصاف مشخصی از سوی دستگاه قضا برای آن تعیین نشده است. تنها ماده قانونی که به شکل ضمنی و بسیار گذار به بحث بدجبابی پرداخته، ماده 638 قانون

مجازات اسلامي است که در آن آمده است: هر کس در اماکن عمومي اقدام به انجام فعل «حرامي» کند، علاوه بر مجازات حبس، به شلاق و جزاي نقدي هم محکوم خواهد شد. ولي از آنجايي که تعريفی مبني بر «حرام» بودن «بدحجابي» در قانون و شرع نداريم، نمي‌توان آن را شامل اين قانون دانست. بنا بر اين از منظر حقوقي، بدحجابي را مي‌توان جزو جريم «عقيم» ناميد که به مرحله‌اي نرسيده که قانونگذار بتواند براي آن جزايي تعيين کند، چراکه علاوه بر اينکه تعريف دقيقی براي آن نيامده است، از هر منظر که به آن بنگريم، مقوله‌اي است نسبي! با همين مقدمه و استدلالها در مورد اجراي اين طرح توسط نيروي انتظامي و برخورد با بدحجابان نيز بايد به اين نکته توجه داشت که اصولا ماموران اين نيرو تنها در دو مورد مي‌توانند وارد عمل شوند و با متخلفان برخورد کنند؛ اول وقتي که دستور مقام قضايي را داشته باشند و دوم زماني که جرم مشهودي رخ داده باشد. درحالي که همان‌گونه که بيان شد «بدحجابي» را نمي‌توان جزو جريم قطعي و مشهود دانست، بلکه در زمره جريم «عقيم» تلقي ميشود. با همين رويکرد مي‌توان گفت که نيروي انتظامي با ايجاد گشته‌هاي ارشاد و برخورد با شهروندان به‌زعم آنها بدحجاب، براساس بندهاي 22، 32 و 36 قانون اساسي حتي متاسفانه خود به نوعي ناقض بخش‌هايي از قانون است.

بنده ضمن احترام به عملکرد نيروي انتظامي و تلاش‌هاي بي‌وقفه‌اي که براي تامين امنيت و آرامش شهروندان دارند، به عنوان يك وکیل و مدرس دانشگاه تصور مي‌کنم که اگر نيروي انتظامي هم و غم و تمام توان خود را براي برخورد با مجرمان اقتصادي و ناقضان امنيت و تلاش براي کاهش آمار سرقتها (که اين روزها حتي به شکل مسلحانه رشد قابل توجه و وحشتناکي را داشته است)، بسيار سنجيده‌تر از برخورد با شهروندان قانونمند و نجيب کشورمان در قالب گشته‌هاي ارشاد باشد! از اين مقوله که بگذريم همان‌گونه که مرجع عالي‌قدر جهان تشيع، آيت‌الله جوادي آملی فرموده و تاکيد کرده‌اند که: اقتصاد از ستون‌هاي اصلي جامعه است و همان‌گونه که حضرت امير مومنان فرموده‌اند که از هر دري که فقر داخل شود، ايمان از در ديگر خارج ميشود، تا وقتي که مشکلات اقتصادي متعدد و فشارهاي سنگين ناشي از آن حل نشود، پرداختن به مقوله‌هايي مانند تهاجم فرهنگي و بدحجابي نمي‌تواند مثمرتر و کارآمد باشد. در حقيقت حتي حقوقدانها و وکلا نيز امروزه معتقدند که شاه‌کلید حل بسياري از مشکلات کشور و حتي تامين امنيت و کاهش جريم مختلف و حتي بدحجابي در بهبود وضعيت اقتصادي مردم و جامعه است.

در نهايت معتقدم که برخورد با پديده‌هاي اجتماعي مانند بدحجابي،

فقط و فقط با همدلی و ایجاد حس صمیمیت بین شهروندان و ضابطان امنیتی میسر می‌باشد. شاید بد نباشد که بدانید در بازه زمانی کنونی، بارها از اساتید دانشگاهی خواسته می‌شود تا راهکارهایی برای بهبود وضعیت حجاب دختران و پسران دانشجو ارائه کنند. در همین راستا، اکثر اساتید تاکید داشته‌اند که این مقوله فقط و فقط با رفتار و برخورد محبت‌آمیز و تعامل تنگاتنگ و دوستانه با دانشجویان میسر است نه اینکه بخواهیم دانشجو را «وادار» به رعایت حجاب دلخواه خود در دانشگاه کنیم. همین راهکار را می‌توان و باید، در کل جامعه تسری داد. یعنی به جای رفتارهای خشن، با رفتارهای محبت‌آمیز و دوستانه، تلاش کنیم تا شهروندانی که حجاب کاملی ندارند را، در نهایت احترام ترغیب کنیم تا حجاب خود را مطابق عرف و شرع، اصلاح کنند. گام بعدی نیز می‌تواند اصلاح و فراهم آوردن زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه در مورد مقوله حجاب و تهاجم فرهنگی باشد که این شاخصه همان‌طور که گفته شد میسر نمی‌شود مگر با اصلاح وضعیت اقتصادی شهروندان جامعه و رعایت حقوق عامه به معنای واقعی آن.

دکترای فقه

و حقوق و مدرس دانشگاه

منبع: روزنامه اعتماد 6 مرداد 1401 خورشیدی